

برساخت پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی در استان کردستان*

فرهاد شایگان فرد^۱، علیرضا محسنی تبریزی^۲، هوشنگ نایی^۳

حمیدرضا جلالی پور^۴، یونس نوربخش^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۳۱

چکیده

مقاله حاضر در پی بازنمایی درک و تجربه نخبگان از نابرابری اجتماعی-سیاسی در استان کردستان و تصویری است که از شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، سازوکارها و پیامدهای آن دارند. در این مقاله با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش گراندتئوری و نیز بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته، به جمع‌آوری داده‌های کیفی پرداخته شد. برای این منظور، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، با ۲۰ نفر از کنشگران کرد اهل سنت شامل چهار طیف نمایندگان مجلس، مدیران، فعالان فرهنگی و اعضای هیئت علمی مصاحبه شد. یافته‌ها به کمک رویکرد استراوس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل و تبیین شدند. سپس با استناد به نظرات پاسخگویان، در شش مقوله اصلی پژوهش شامل تعریف در سه مقوله هسته‌ای و نه زیرمقوله، شرایط علی در سه مقوله هسته‌ای و هفت زیرمقوله، شرایط زمینه‌ای در سه مقوله هسته‌ای و ده زیرمقوله، شرایط مداخله‌گر در دو مقوله هسته‌ای و هفت زیرمقوله، سازوکار در سه مقوله هسته‌ای و هفت زیرمقوله، و پیامدها در سه مقوله هسته‌ای و دوازده زیرمقوله استخراج شدند. در پایان نیز مدل پارادیمی ارائه شده است که گویای تأثیر تعریف بر شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و نیز تأثیر مستقیم شرایط علی روی پدیده نابرابری و تأثیر غیرمستقیم شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر بر شرایط علی و سازوکارها از یک سو و تأثیر غیرمستقیم شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر روی پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی است. همچنین طبق یافته‌های نهایی، پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی، محصول انتخاب کردهای اهل سنت در استان کردستان نیست، بلکه به واسطه مقوله‌های گفته‌شده برساخت شده است.

واژه‌های کلیدی: استان کردستان، برساخت، روش کیفی، سنندج، گراندتئوری، نابرابری اجتماعی-سیاسی.

*مقاله علمی-پژوهشی، مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی با عنوان «اکتشاف و تبیین نابرابری اجتماعی-سیاسی کردهای اهل سنت استان کردستان» پردیس البرز، دانشگاه تهران.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران، ایران.

shayegan_fard@yahoo.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، mohsenit@ut.ac.ir

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

hnayebi@ut.ac.ir

^۴ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، jalaeipour@ut.ac.ir

^۵ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ynoorbakhsh@ut.ac.ir

The Construction of the Phenomenon of Socio-Political Inequality in Kurdistan Province*

Ferhad Shayeganfard¹, Ali Reza Mohseni Tabrizi², Hooshang Nayebi³, Hamidreza Jalaeipour⁴, Younes Nourbakhsh⁵

Received August 22, 2021

Accepted March 5, 2022

Abstract

This paper seeks to present elites "perceptions and experiences of socio-political inequality in Kurdistan Province and describe their perceptions of causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, mechanisms, and consequences. This study collects qualitative data using a qualitative approach and grounded theory method as well as in-depth and semi-structured interview techniques. To this end 20, Sunni Kurdish activists, including four groups of parliamentarians, managers, cultural activists, and faculty members, were interviewed using purposive sampling and theoretical saturation criteria. The results are analyzed and explained in three stages of open, axial, and selective coding using the Strauss-Corbin approach. Then, relying on the respondents' opinions, the six main categories of the research were extracted: Definition in 3 core categories and 9 subcategories, causal conditions in 3 core categories and 7 subcategories, basic conditions in 3 core categories and 10 subcategories, disturbance conditions in 2 core categories and 7 subcategories, the mechanism in 3 core categories and 7 subcategories, and the consequences in 3 core categories and 12 subcategories. Finally, a paradigmatic model is presented showing the effects of definition on causal, contextual and intervening conditions and the direct effect of causal conditions on inequality and the indirect effect of basic conditions and intervening conditions on causal conditions and mechanism and also the indirect effect of contextual and intervening conditions on socio-political inequality. The final results show that the phenomenon of socio-political inequality is not the product of Sunni Kurds in Kurdistan province, but it has been constructed based on the mentioned categories.

Keywords: Construction, Socio-Political Inequality, Qualitative Method, Grand Theoretical, Kurdistan Province, Sanandaj.

* Scientific-Research Article, Paper from the dissertation of cultural sociology titled: "Investigation and explanation of socio-political inequality of Sunni Kurds in Kurdistan Province", Faculty of Social Sciences, University of Tehran.

1. PhD Candidate in Cultural Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran Alborz Campus, Tehran, Iran, shayegan_fard@yahoo.com

2. Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, mohsenit@ut.ac.ir

3. Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author), hnayebi@ut.ac.ir

4. Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, jalaeipour@ut.ac.ir

5. Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran, ynourbakhsh@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

ماهیت پیچیده و چندوجهی نابرابری در جامعه ایران نیازمند رویکردها و مدل‌های نظری است که نه فقط به ابعاد و دلالت‌های عینی و ملموس موضوع، بلکه با طرح پرسش‌هایی از جنس «چرایی»، «چیستی» و «چگونگی»، به زوایای معانی ذهنی و برساخت‌گرایانه نیز توجه می‌کند. رویکرد برساخت‌گرایی را می‌توان از جمله جدیدترین رویکردها در حوزه مسائل اجتماعی دانست. برساخت‌گرایان بر این باورند که جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، بر فرایندی متمرکز است که طی آن، افراد صرف نظر از «شرایط عینی» فکر می‌کنند که چه چیزی مسئله اجتماعی است. به‌طورکلی شاید مهم‌ترین کارکرد رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی، تحقیق درباره این موضوع است که مسائل چگونه مسئله شده‌اند (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۳: ۲۱۹-۲۲۷). بر همین اساس، مقاله حاضر در بررسی پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی، از بیان مسئله تا بحث و نتیجه‌گیری از رویکرد برساخت‌گرایانه بهره می‌گیرد.

گرب در پاسخ به این سؤال که بنیان‌های اصلی نابرابری در جامعه چه هستند، چهار بنیان نابرابری را از یکدیگر بازمی‌شناسد: ۱. تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی؛ ۲. وابستگی دینی به‌عنوان عامل موفقیت و نفوذ سیاسی افراد و محرک کشمکش میان فرقه‌های مختلف؛ ۳. عقاید متفاوت در ترسیم نوع نگاه فردی و اجتماعی به نابرابری‌ها؛ ۴. تفاوت‌های ژنتیکی نظیر رنگ پوست و نژاد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰-۱۱). از این‌رو نابرابری را باید یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی دانست که در طول زمان به دلیل وجود متغیرهای مهم و تأثیرگذار تغییر یافته است. این متغیرها شامل رویکردها، شیوه‌ها و روش‌های دولت‌ها و حکومت‌ها در تنظیم تعاملات و مناسبات خود با گروه‌های اجتماعی نظیر اقوام و اقلیت‌ها هستند که بر نحوه و شکل نابرابری تأثیر می‌گذارند.

کردستان از جمله استان‌های مرزی ایران است که مشخصه اصلی آن برخورداری از تنوع قومی و مذهبی است. براساس آخرین سرشماری، جمعیت این استان ۱,۶۰۳,۰۱۱ نفر^۱ است که تقریباً بیش از ۹۵ درصد جمعیت آن را قوم کرد تشکیل می‌دهد. طبق برآوردها، تقریباً بیش از ۸۵ درصد این جمعیت، اهل سنت هستند. تفاوت‌های قومی و مذهبی به‌ویژه در دوره معاصر در

۱. براساس آخرین آمار سرشماری در سال ۱۳۹۵.

کردستان سبب شده است کردهای اهل سنت جزو معدود اقوام ایرانی باشند که با داشتن تفاوت‌های دوگانه قومی و مذهبی از سایر اقوام متمایز شوند. گذشته تاریخی این استان گویای مشکلاتی در دو بعد درونی و بیرونی است؛ بدین معنا که از بعد درونی، با توجه به موقعیت جغرافیایی زمینه‌ای فراهم شده تا شاهد شکل‌گیری جنبش‌هایی با رویکرد سیاسی و مذهبی باشیم. از بعد بیرونی، همجواری با مناطق کردنشین عراق سبب شده تا دولت‌های مرکزی حاکم بر ایران از دیرباز حساسیت خاصی به این استان داشته باشند. بر این اساس، آنچه در این مقاله مدنظر است، بر ساخت پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی در میان کردهای اهل سنت در کردستان در دوره زمانی پس از انقلاب و ارتباط آن با ساختارهای کلان است که می‌تواند از سویی توجه را به این موضوع جلب کند و از سوی دیگر، آشکارکردن سازوکارهای عملی هرگونه نابرابری اجتماعی-سیاسی، زمینه را برای حل مسائل و آسیب‌ها در این خصوص فراهم سازد. هدف اصلی این پژوهش، فهم پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی از دید کنشگران کرد اهل سنت، با توجه به روایت آنان از این پدیده است. از این رو محققان ابتدا با یک تحقیق اکتشافی و با استفاده از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته به اطلاعات مصاحبه‌شونده‌ها در مورد تعریف نابرابری دست یافتند و در مرحله بعد، به تبیین نابرابری از دیدگاه کنشگران پرداختند. پرسش‌های محوری این پژوهش عبارت‌اند از: تعریف کنشگران از نابرابری اجتماعی-سیاسی چیست؟ شرایط علی مؤثر در شکل‌گیری پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی چیست؟ شرایط زمینه‌ای پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی کدام‌اند؟ شرایط مداخله‌گر پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی چیست؟ سازوکارهای مؤثر بر پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی کدام‌اند؟ نابرابری اجتماعی-سیاسی از نگاه کنشگران چه پیامدهایی خواهد داشت؟

تأملات نظری و تجربی

از آنجا که وجود اقلیت به‌خودی‌خود نمایی از نابرابری است، لازم است پیشینه تجربی و نظری نابرابری در پیوند با پژوهش مرور شود. در اغلب مطالعات صورت‌گرفته درباره نابرابری، بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی آن تأکید شده است. برخی از پژوهشگران نظیر علیزاده^۱ در تحقیق خود، تأثیر تعلق به گروه‌های قومی فارس و غیرفارس، مذهب حاکم شیعه و اقلیت سنی،

^۱ Alizadeh

سکونت در استان‌های مرزی و غیرمرزی و وجود منابع نفت را بر نابرابری درآمدی در ایران بررسی کردند. نتایج تحقیق وی، گویای تأثیر عامل قومیت، مذهب و جغرافیا بر نابرابری درآمدی و سپس تعلق به گروه قومی فارس، مذهب شیعه و قرارگرفتن استان‌ها در مناطق غیرمرزی که به لحاظ برخورداری از درآمد سرانه مزیت محسوب می‌شود، مؤثر می‌داند (علیزاده، ۲۰۱۷).

کلرمن با تقسیم جامعه به دو گروه شهروندان درجه یک و درجه دو معتقد است هریک از این گروه‌ها ضمن برخورداری از اهرم‌های سیاسی نابرابر می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های عمومی فعالانه شرکت کنند. شهروندان درجه یک می‌توانند با سیاستمداران ارتباط مستقیمی برقرار کنند و نتایج را به سود خود تغییر دهند و به‌علاوه بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند. در مقابل، شهروندان درجه دوم کمترین بهره‌مندی از رویدادهای سیاسی را دارند و دچار نوعی انزوا، تزلزل و ناامیدی هستند که همین مسئله، نابرابری اجتماعی و مصادره امتیازات سیاسی توسط شهروندان درجه یک و ممتاز را تقویت می‌کند (کلرمن، ۲۰۱۸).

از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان به آثار محققان دیگری نظیر روبیلا (۲۰۰۶)، بردی و لچت (۲۰۰۸)، لاهیری و راتنسری (۲۰۱۰)، الگین و همکاران (۲۰۱۳)، یونگ و ساندى (۲۰۱۴)، بینلی و همکاران (۲۰۱۵)، فرزنانگان و حبیب‌پور^۱ (۲۰۱۷) اشاره کرد. نقطه مشترک این تحقیقات، رابطه نابرابری با فشارهای اقتصادی، توزیع فقر و توزیع مجدد ثروت و توسعه انسانی است. رویکرد اغلب این آثار نیز کمی و پیمایشی است. به عبارتی به ذهنیت کنشگران اجتماعی و سیاسی و درک آن‌ها از چگونگی و عوامل ابتلا به نابرابری اجتماعی-سیاسی پرداخته نشده است.

اما پژوهش‌های داخلی، بیشتر پژوهش‌هایی هستند که مبنای خود را بر پیمایش گذاشته‌اند؛ هرچند موارد روایت‌پژوهی و بعضاً ترکیبی نیز در میان آن‌ها وجود دارد. بر این اساس، دسته اول پژوهش‌هایی نظیر ترابی و مجیدی (۱۳۹۳)، گودرزی و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، طالبی و علی‌زاده (۱۳۹۷)، عظیمی (۱۳۹۸) و کمالی دهکردی (۱۳۹۹) هستند که با استفاده از رویکرد پیمایشی نابرابری را تبیین کرده‌اند. دسته دوم پژوهش‌های اجتهادی (۱۳۹۰)، راغفر و فدوی اردکانی (۱۳۹۳) و محمدزاده و خانی (۱۳۹۷) هستند که عمدتاً رویکرد کیفی و بعضاً ترکیبی دارند. در همه این پژوهش‌ها، به دلیل غلبه کلان‌نگری بر پدیده نابرابری،

^۱ Farzanegan, Habibpour

نحوهٔ برساخت نادیده گرفته شده است؛ این در حالی است که پژوهش جامعی که بتواند نابرابری را هم‌زمان در خصوص اقلیت‌های قومی و مذهبی سنجش کند، صورت نگرفته است. از همین‌رو پژوهش با پیروی از رویکرد برساخت‌گرایی به تعریف و شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، سازوکار و پیامدهای شکل‌گیری نابرابری اجتماعی-سیاسی به‌عنوان یک مسئلهٔ اجتماعی پرداخته است.

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر گراند‌تئوری^۱ است. این روش دو نوع رویکرد اصلی را در خود دارد که عبارت‌اند از: ۱. رویکرد عینی‌گرایی^۲ استراوس و کوربین^۳، ۲. رویکرد سازنده‌گرایی^۴ چارمز^۵. در اینجا با توجه به هدف و سؤالات پژوهش، از رویکرد عینی‌گرایی استراوس و کوربین استفاده شده که شامل سه مرحلهٔ کدگذاری باز^۶، محوری^۷ و انتخابی^۸ است. در پایان نیز به ترسیم مدل پارادیمی پرداخته می‌شود. از این‌رو داده‌های کیفی (یا مقوله‌های بهبودیافته) در این فرایند در قالب یک سلسله روابط مشخص می‌شوند؛ به‌نحوی که با کمک این روابط می‌توان تفسیری جامع‌تر و کامل‌تر از پدیدهٔ مورد نظر ارائه کرد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۶؛ محسنی‌تبریزی، ۱۳۹۵). همچنین در این پژوهش از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ به این صورت که همهٔ افراد شرکت‌کننده می‌بایست پدیدهٔ مورد مطالعه را تجربه کرده باشند؛ زیرا وقتی همهٔ افراد مورد مطالعه افرادی باشند که در این زمینه تجربهٔ زیسته داشته‌اند، فرایند نمونه‌گیری می‌تواند به تکمیل کدگذاری باز و محوری نظریه کمک کند (کرسول، ۱۳۹۶: ۱۵۷). البته تقریباً هیچ تجربهٔ زیسته‌ای از فرایندهای اعمال قدرت جدا نیست و تجربه‌های همهٔ افراد در قالب روابط نظام‌مند و ساختاری فهمیده می‌شود (عنبری و عبده‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۶۱). در اینجا ابتدا طبق نظر فترمن، «رویکرد تورم بزرگ»^۹ انتخاب و با استناد به آن، به تدریج مشخص شد که چه موضوعی و چه

1. Grounded Theory

2. Objectivist

3. Strauss and Corbin

4. Constructivist

5. Charmers

6. Open Coding

7. Axial Coding

8. Selective Coding

9. Big Net Approach

کسی در کدام محل باید مطالعه شود (همان). سپس تلاش شد تا محیط‌ها، کنشگران، افراد و اسناد به‌گونه‌ای انتخاب شوند که اطلاعات مفید و جامعی درباره موضوع پژوهش ارائه کنند. با توجه به آنکه سوژه‌های تحقیق، طیف مشخصی از نخبگان سیاسی و اجتماعی، متخصصان دانشگاهی و افراد ذی‌صلاح هستند که دارای مناصب اجرایی و مدیریتی در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کردستان‌اند، محیط در نظر گرفته شده برای مصاحبه، شهر سنندج به‌عنوان مرکز استان کردستان و دفتر و محل کار افراد جامعه هدف بود که با آگاهی و رضایت مصاحبه‌شونده‌ها، این مصاحبه‌ها ضبط می‌شد. حجم نمونه، با توجه به سطح اشباع نظری، ۲۰ نفر است که با شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نظر به حساسیت شغلی افراد، از ذکر نام خانوادگی آن‌ها خودداری می‌شود.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

| ردیف | نام | سن | سنوات خدمت | سنوات فعالیت | تحصیلات | نوع سابقه | مدت مصاحبه (دقیقه) |
|------|---------|----|------------|--------------|------------|-----------------------|--------------------|
| ۱ | کامیار | ۴۲ | ۱۸ | ۱۰ | فوق لیسانس | مدیر سیاسی | ۳۰ |
| ۲ | عیسی | ۵۹ | ۳۲ | ۱۷ | فوق لیسانس | مدیر و فعال اجتماعی | ۳۱ |
| ۳ | سلیمان | ۵۳ | ۲۶ | ۱۶ | فوق لیسانس | مدیر اجرایی | ۳۷ |
| ۴ | حسین | ۵۶ | ۳۳ | ۱۸ | فوق لیسانس | مدیر سیاسی و اجرایی | ۳۹ |
| ۵ | عبدالله | ۵۷ | ۲۹ | ۱۵ | دکتری | مدیر سیاسی و اجرایی | ۴۲ |
| ۶ | علی | ۵۲ | ۲۷ | ۹ | فوق لیسانس | مدیر اجرایی | ۷۵ |
| ۷ | صدیق | ۴۷ | ۲۷ | ۲۷ | لیسانس | خبرنگار | ۳۹ |
| ۸ | اسعد | ۴۳ | ۲۱ | ۲۱ | فوق لیسانس | خبرنگار | ۳۵ |
| ۹ | محمد | ۵۵ | ۱۷ | ۱۷ | فوق لیسانس | فعال فرهنگی و اجتماعی | ۳۲ |
| ۱۰ | مسعود | ۴۳ | ۲۱ | ۲۱ | فوق لیسانس | خبرنگار | ۳۵ |
| ۱۱ | کریم | ۵۴ | ۳۳ | ۱۷ | فوق لیسانس | مدیر سیاسی و اجرایی | ۵۵ |

ادامه جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

| ردیف | نام | سن | سنوات خدمت | سنوات فعالیت | تحصیلات | نوع سابقه | مدت مصاحبه (دقیقه) |
|------|-----------|----|------------|--------------|------------|---------------------|--------------------|
| ۱۲ | مسعود | ۵۵ | ۳۱ | ۱۳ | فوق لیسانس | مدیر سیاسی و اجرایی | ۳۹ |
| ۱۳ | خسرو | ۵۱ | ۲۴ | ۱۰ | دکتری | استاد دانشگاه | ۳۳ |
| ۱۴ | امین | ۴۸ | ۸ | ۸ | فوق لیسانس | نماینده مجلس | ۱۵۰ |
| ۱۵ | عبدالکریم | ۶۷ | ۴۰ | ۴۰ | لیسانس | نماینده مجلس | ۳۷ |
| ۱۶ | عبدالجبار | ۵۲ | ۴ | ۴ | دکتری | نماینده مجلس | ۳۴ |
| ۱۷ | عثمان | ۵۴ | ۲۰ | ۱۴ | دکتری | مسئول دانشگاهی | ۳۳ |
| ۱۸ | یعقوب | ۴۷ | ۱۴ | ۱۴ | دکتری | مسئول دانشگاهی | ۳۱ |
| ۱۹ | امید | ۴۸ | ۲۳ | ۲۳ | دکتری | مسئول دانشگاهی | ۳۳ |
| ۲۰ | امید | ۴۳ | ۱۴ | ۱۴ | دکتری | مسئول دانشگاهی | ۳۹ |

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا به تاریخچه شکل‌گیری پدیده نابرابری اشاره می‌شود. سپس پیدایش این پدیده بر مبنای روش گراند تئوری مطالعه می‌شود. با توجه به هدف این پژوهش که بر ساخت پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی در استان کردستان از نگاه کنشگران کرد اهل سنت است، پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، با توجه به مدل پارادیمی استراوس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد و در نهایت با تبیین روابط ساختاری و مقوله‌های استخراج شده به سطوح نظری کلان و تجربی پرداختیم.

تاریخچه شکل‌گیری پدیده نابرابری در استان کردستان

کردستان به دلیل شرایط طبیعی و ماهیت توسعه‌نیافتگی، در زمره مناطق منزوی کشور به‌شمار می‌رود. این استان به دلیل ویژگی‌های اقتصادی، خصوصیات قومی و اجتماعی، ملاحظات سیاسی و بعضاً امنیتی، از دیرباز مورد توجه حکومت‌های ایران بوده است (احمدرش، ۱۳۹۷: ۱۹۴). کردستان یکی از مناطق راهبردی کشور است که به دلیل درحاشیه‌بودن و توسعه‌نیافتگی یا اعمال سیاست‌های کلان ضد توسعه و شکننده، از گذشته تاکنون با مشکلات مختلفی در

حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، زیرساختی و اقتصادی روبه‌رو بوده است؛ این درحالی است که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی شاهد تنش‌هایی در عرصه سیاسی در کردستان بوده‌ایم که گاهی به تنش‌های نظامی و امنیتی نیز منجر شده و محور اصلی این تنش‌ها، مطالبات سیاسی و گاهی مذهبی بوده است؛ به این صورت که در ماه‌های نخست سقوط رژیم پهلوی، به دلیل نبود آزادی‌های سیاسی در طول چند دهه حکومت پهلوی، بستری برای بروز تمایلات سیاسی میان اقشار، طبقات و گروه‌های مختلف فراهم شد، اما زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و نیز ضعف‌های کارکردی ساختار جدید از یک‌سو و عدم بهره‌برداری مثبت از شرایط به‌وجودآمده توسط فعالان قومی، به‌ویژه نخبگان قوم‌گرا و مذهبی اهل سنت از سوی دیگر، سبب شد موضوع قومیت از حوزه فرهنگی خارج و به موضوعی سیاسی تبدیل شود. در این دوره، اصلی‌ترین مطالبه‌ای که کردها مطرح کردند و به دنبال آن بودند، اعطای خودمختاری و برخی مطالبات در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود. در مقابل، رهبران انقلاب به‌ویژه درخصوص موضوع اعطای خودمختاری کمترین موافقتی را نه تنها در کردستان، بلکه در هیچ منطقه‌ای در ایران از خود نشان ندادند. از این زمان به بعد شاهد شکل‌گیری تنش‌هایی در این مناطق هستیم. اما آنچه در روزهای نخست انقلاب گرایش به خودمختاری را تقویت می‌کرد، تقاضا برای خودگردانی با هدف دستیابی به برخی حقوق سیاسی، اجتماعی و مذهبی بود که بخش اعظم جامعه کردهای اهل سنت از آن حمایت می‌کرد. برجسته‌شدن این‌گونه مطالبات به این معنا بود که این مطالبه صرفاً مختص کردهای اهل سنت است. این مسئله سبب شد اعتماد به آن‌ها بسیار سخت و حتی غیرممکن شود.

همچنین درخصوص موضوع کابینه‌های سیزده‌گانه پس از انقلاب، شاهد مشارکت‌ندادن کردهای اهل سنت در این کابینه‌ها هستیم؛ به طوری که در موضوع انتصاب استانداران به‌عنوان نمایندگان عالی دولت نیز نه تنها از ظرفیت انسانی کردهای اهل سنت در تصدی این مسئولیت در سایر استان‌ها استفاده نشد، بلکه از میان شانزده استاندار کردستان از ابتدای انقلاب تاکنون، تنها چهار استاندار کرد اهل سنت در فاصله زمانی ۱۳۵۸/۱/۱ تا ۱۳۵۹/۳/۱ (دوره‌ای چهارده‌ماهه)، تصدی نماینده عالی دولت را در این استان برعهده داشته‌اند و تاکنون هیچ کرد اهل سنتی در مناصب نظیر وزارت، معاونت‌های رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌رئیس مجلس حضور نداشته است. در مقابل، از میان شش نماینده منتخب استان در مجلس (به‌جز حوزه انتخابیه بیجار با

اکثریت مطلق تشیع)، به صورت مستمر پنج نفر از نمایندگان استان از کردهای اهل سنت و از میان دو نماینده منتخب استان در مجلس خبرگان رهبری در طول پنج دوره، تقریباً هر دو نفر از کردهای اهل سنت بوده‌اند و از میان ۱۳۸ مدیر استانی در مقطع فعلی نیز تقریباً بیش از ۱۰۰ منصب در اختیار کردهای اهل سنت بوده است (زارع میرک‌آباد، ۱۳۹۵: ۲۳۹-۲۴۴).

الف) تعریف پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی

در این مطالعه، تعریف کنشگران از پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی، در مورد سه مقوله هسته‌ای در حاشیه‌بودگی، بی‌قدرتی و بی‌هویتی و نه زیرمقوله ارائه شده است.

در حاشیه‌بودگی: در حاشیه‌بودگی اقلیت‌های، قومی و مذهبی جامعه نوعی باور به نقش غیرجدی، حاشیه‌ای و گاه منفی از نگاه همگان (جامعه کل) است. به عبارتی در حاشیه‌بودگی را می‌توان نوعی نپذیرفتن و نداشتن مقبولیت از سوی اکثریت دانست. از نظر پاسخگویان، مصادیق در حاشیه‌بودگی احساس فاصله‌داشتن از جامعه، محرومیت و ناتوانی در دسترسی به فرصت‌ها است. سلیمان نابرابری اجتماعی-سیاسی را احساس فاصله‌داشتن از جامعه دانست و گفت: «در طول زمان این احساس به وجود آمده که با مجموعه بزرگ‌تر متفاوت هستید. در کلیه حقوق حقه و با برخورداری از مزایای اجتماعی، قانونی و مدنی فاصله دارید. در واقع نابرابری فاصله ایجاد می‌کند و بخشی از جامعه را پایین می‌برد و بخشی را بالا می‌آورد و بخشی را بر بخش دیگر حاکم می‌کند.» علی از محرومیت به عنوان نابرابری اجتماعی-سیاسی نام برد و معتقد بود: «نابرابری زمانی نمود پیدا می‌کند که شرایط یکسان و مشابهی برای دو فرد مهیا باشد، اما استفاده از امکانات، متغیر و توأم با محرومیت و نابرابری است.» امید با چهارده سال سابقه، ناتوانی در دسترسی به فرصت‌ها را نابرابری اجتماعی-سیاسی برشمرد و گفت: «مجموعه امکاناتی که برای یک اهل تشیع فراهم است، چه به لحاظ تبلیغی و چه مواردی که در قانون پیش‌بینی شده یا نشده، اما برای فضای جامعه لازم است، در مقایسه با یک کرد اهل سنت که یا از آن امکانات محروم است یا از حداقل آن برخوردار است، سبب از دست رفتن فرصت‌ها برای طرف دوم می‌شود. در اینجا می‌توانیم از نابرابری سخن بگوییم.»

بی‌قدرتی: بی‌قدرتی شرایطی است که فرد یا گروه احساس کند نسبت به حوادث و رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... گروه یا جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، کمترین توان

تأثیرگذاری را دارد. از نظر پاسخگویان، مصادیق بی قدرتی، توزیع ناعادلانه قدرت، تأثیرگذار نبودن و عدم واگذاری مناصب حساس است.

مسعود، خبرنگار، از توزیع ناعادلانه قدرت به عنوان نابرابری اجتماعی-سیاسی یاد کرد و گفت: «در توزیع قدرت و عدالت و نیز در دستیابی به مناصب سیاسی، کردهای اهل سنت هیچ جایگاه و نقشی نداشته‌اند. پس از ۴۳ سال ما هنوز از داشتن یک مدیر کرد اهل سنت در آموزش و پرورش استان کردستان محروم هستیم؛ این در حالی است که از اواسط دههٔ چهل خورشیدی تا انقلاب ۱۳۵۷ ما چهار وزیر کرد اهل سنت در کابینه‌های مختلف یا افرادی در مناصب ارشد نظامی داشته‌ایم.» صدیق تأثیرگذار نبودن را به عنوان نابرابری اجتماعی-سیاسی برشمرد و اظهار کرد: «به لحاظ قضایی، اهل سنت نمی‌توانند در دادگاه‌های انقلاب کیفری و جزایی شغل قضاوت داشته باشند و فقط قضاوت دادگاه‌های خانواده به آن‌ها داده می‌شود. این نوع قضاوت نیز کارایی لازم را ندارد. همچنین در هیچ رده‌ای اهل سنت نمی‌توانند استاندار یا معاون سیاسی و امنیتی شوند. چه توجیهی دارد که هیچ‌یک از روحانیون اهل سنت نمی‌توانند به عنوان نماینده ولی فقیه در استان انتخاب شوند؟» محمد عدم واگذاری مناصب حساس را نابرابری اجتماعی-سیاسی دانست و معتقد بود: «سقف مدیریتی برای نخبگان و مدیران در استان کردستان تا حد معاون استاندار است؛ آن هم نه معاون سیاسی و امنیتی، بلکه سایر معاونت‌ها نظیر معاون عمرانی یا هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع انسانی که با سلب این سمت‌ها، پایان کار افراد رقم می‌خورد. کردهای اهل سنت در استان کردستان وقتی حامی قدرتمندی در سیستم دولتی در مرکز ندارند، به طور طبیعی فرصتی پیش‌رویشان قرار نخواهد گرفت.»

بی‌هویتی: بی‌هویتی را می‌توان تنش و تضاد یا خروج از حالت تعادل و انحرافی دانست که افراد خود را درگیر آن می‌بینند؛ به گونه‌ای که نقش خود را در گروه بزرگ‌تر، از دست‌رفته می‌بینند و احساس می‌کنند در سطح کلان‌تر، کارکرد خود را از دست داده‌اند. در این حالت افراد موقعیت اجتماعی خود را غیرمتعادل و منزلت اجتماعی خود را از دست‌رفته یا حداقل آسیب‌دیده می‌بینند. از نظر پاسخگویان، مصادیق بی‌هویتی، تزلزل سیاسی، بی‌اعتمادی و عدم بهره‌مندی است.

امین از تزلزل سیاسی به عنوان نابرابری اجتماعی-سیاسی یاد کرد و گفت: «در استان‌های دیگر نمایندگان هستند که برای چندین دوره و حتی هشت دوره کرسی نمایندگی مجلس را دارند، اما

در کردستان همه این مسئله را پذیرفته‌اند؛ حتی نمایندگان که تاریخ انقضای آن‌ها برای نمایندگی پایان دو دوره است. این مسئله سبب نوعی تزلزل سیاسی در میان نمایندگان مجلس شده که با داشتن هر نوع شرایط و هرگونه عملکردی در پایان دو دوره نمایندگی مجلس، کسب آن جایگاه برای آن‌ها دیگر امکان‌پذیر نیست. این یک علامت سؤال بزرگ است که پایان دوره دوم نمایندگی شان، پایان عمر سیاسی آن‌ها است. مسعود، مدیر، بی‌اعتمادی را نمودی از نابرابری اجتماعی-سیاسی دانست که در حق کردهای اهل سنت اعمال شده است. وی گفت: «چرا اجازه نمی‌دهند نماینده ولی فقیه از اهل سنت باشد؟ آیا پس از گذشت ۴۲ سال از انقلاب هنوز هیچ فرد توانایی در میان کردهای اهل سنت وجود ندارد که بتواند این منصب را برعهده بگیرد؟ آیا هنوز با گذشت بیش از ۴۲ سال از انقلاب نباید با نگاه مذهبی به ما نگرسته شود؟ یعنی هنوز اهل سنتی پیدا نشده یا نمی‌شود که توانایی و تفکر چیدمان سیاسی در استان را داشته باشد؟» کریم از عدم بهره‌مندی به‌عنوان نابرابری اجتماعی-سیاسی یاد کرد و گفت: «نابرابری یعنی اینکه ما در کردستان از مواهب مادی و معنوی خود بی‌بهره هستیم. در امور جامعه خود حق دخل و تصرفی نداریم. از امکانات خود نه تنها بی‌بهره هستیم، بلکه حق اظهارنظر هم نداریم.»

ب) شرایط علی پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی

شرایط علی پدیده نابرابری سیاسی-اجتماعی در استان کردستان از دیدگاه پاسخگویان را می‌توان در سه مقوله هسته‌ای، نگرش انحصارطلبانه، گزینش منفی و نبود راهبرد هدفمند و در قالب هفت زیرمقوله به‌ترتیب زیر بیان کرد.

نگرش انحصارطلبانه: نگرش انحصارطلبانه، ایجاد محدودیت برای هر نوع نگاه توأم با تکثرگرایی است. این نوع نگرش ریشه در مجموعه عواملی نظیر «ذهنیت قالبی» دارد. ذهنیت قالبی، بر معرفت پیشینی^۱ درباره شیوه‌های رفتاری افراد و گروه‌ها دلالت دارد که سبب می‌شود انتظارات ما از آن فرد یا گروه در چارچوب معینی قرار بگیرد و حداقل رفتار خارج از چارچوب آن فرد یا گروه موجب شود درباره او قضاوت منفی داشته باشیم؛ حتی اگر آن رفتارها برخلاف عقل و اخلاق نباشد، او را محکوم می‌کنیم؛ بنابراین پاسخگویان از ذهنیت قالبی به‌عنوان یکی از

۱. براساس دیدگاه کانت، «معرفت پیشینی» معرفتی است که پیش از تجربه و مستقل از آن به‌دست می‌آید؛ درحالی که معرفت پسینی معرفتی است که از طریق تجربه حاصل می‌شود (متیاس، ۱۳۸۳).

علل شکل‌گیری نابرابری اجتماعی-سیاسی یاد کردند. کریم گفت: «با گذشت ۴۲ سال از انقلاب، هنوز خیلی از مسئولان نظام، با ذهنیت قالبی که منبعث از حوادث سال‌های ابتدایی انقلاب است، به کردستان نگاه می‌کنند.» از نگاه خسرو نیز «حوادث سال‌های آغازین انقلاب سبب ایجاد نگرش و افعال کلیشه‌ای و رادیکال در مورد کردستان، در ذهن و فعل مسئولان شد.» عیسی از «نبود گفتمان ملی» به‌عنوان عامل تقویت‌کننده نگرش انحصارطلبانه یاد کرد و گفت: «با گذشت چند دهه از انقلاب و پشت‌سر گذاشتن حوادث آن سال‌ها، قاعدتاً باید دیالوگ و گفت‌وگویی شکل می‌گرفت که می‌توانست بسیاری از تضادها و اختلافات را کنترل کند، اما این امر هنوز اتفاق نیفتاده است.» حسین در این زمینه گفت: «در ایران تنها اقوام کرد نیستند که از وضعیت امروز جامعه ناراضی هستند، بلکه تقریباً همه اقوام از این وضعیت ناراضی هستند؛ زیرا ما در سطح ملی گفتمان نداریم.»

گزینه منفی: گزینه منفی فرایند حذف و محدودسازی است که سبب محرومیت از توانایی‌ها و پتانسیل‌ها می‌شود؛ به‌طوری‌که فرد یا افرادی که احساس می‌کنند گزینه منفی در حق آن‌ها صورت گرفته است، دچار نوعی سرخوردگی و ناامیدی می‌شوند. از این‌رو گزینه منفی از جمله شرایط علی پدیده نابرابری برشمرده می‌شود که در مفاهیمی مانند «تبعیض منفی در انتصابات» نمود پیدا کرده است. کامیار گفت: «سیستم گزینه بر مبنای انتصاب مذهب، برای مناصب حساس نیازمند بازنگری است؛ این در حالی است که در هیچ کجای قانون نیامده که حتماً شخصی با فلان گرایش مذهبی برای فلان پست انتخاب شود.» از نظر اسعد: «افراد بومی که برای برخی سمت‌ها در سطح استان انتخاب می‌شوند، اغلب افراد نالایق، فرمان‌بردار و بدون هرگونه شایستگی و توانایی مدیریت هستند؛ به‌طوری‌که جامعه اهل سنت ترجیح می‌دهد یک فرد غیربومی و فارس مدیر باشد تا این افراد به اصطلاح اهل سنت و کرد در مسند مدیریت قرار بگیرند؛ زیرا همین افراد منشأ خیلی از مشکلات استان می‌شوند.» گروهی از پاسخگویان «عدم شایسته‌سالاری» را به‌عنوان شرایط علی پدیده نابرابری ارزیابی می‌کردند. عثمان اظهار کرد: «نابرابری وقتی تبلور و نمود می‌یابد که در فرایند انتخاب و انتصاب افراد برای جایگاه‌ها و سمت‌ها، شایسته‌سالاری در نظر گرفته نشود.» عبدالله معتقد بود: «کسانی که در سالیان گذشته بر کشور مسلط شده‌اند، افراد همفکر و هم‌کیش خود را بر مسند کار قرار دادند؛ به‌طوری‌که برخی یا حتی بسیاری از آن افراد، صلاحیت آن مسئولیت و

موقعیت را نداشتند.» صدیق از آزمون و خطا به عنوان علل نابرابری یاد کرد و گفت: «متأسفانه روندی که از سالیان گذشته در استان کردستان باب شده، انتخاب مدیران ضعیف و فاقد هرگونه توانایی لازم است؛ به طوری که این افراد به واسطه ضعف و ناکارآمدی خود اقدام به آزمون و خطا در انجام امور کرده‌اند. همین مسئله سبب به حاشیه بردن پتانسیل‌های استان شده است.» به باور مسعود، خبرنگار: «استان کردستان همیشه به عنوان کارگاه و آموزشگاهی برای آزمون خطا و کسب تجربه مسئولان برای مسئولیت‌گرفتن در سایر استان‌ها و سطح کشور بوده است.»

نبود راهبرد هدفمند: راهبرد مجموعه‌ای از سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌هایی برای رسیدن به هدف است. در مقابل، نبود راهبرد یکی از چالش‌های اصلی رسیدن به هدف است؛ بنابراین در موضوع شرایط علی پدیده نابرابری در فرایند مصاحبه‌ها «بی‌توجهی به ظرفیت‌ها» به عنوان یکی از شاخصه‌های نبود راهبرد هدفمند معرفی شده است. امید با ۲۳ سال سابقه تأکید کرد: «اینکه ما بیاییم با بخش‌بندی و خط‌کشی بخش‌های مختلف جامعه، برای بخشی از جامعه که اهل تشیع باشد اولویت‌ها و امتیازاتی در نظر بگیریم، نابرابری است.» کریم نیز معتقد بود: «انتصاب مدیران غیربومی سبب شده است که ظرفیت‌های جذب و به‌کارگیری افراد در استان کردستان به سمت نیروهای غیربومی که اغلب وابسته و دارای نسبت‌های سببی و نسبی با این مدیران هستند، سمت‌وسو پیدا کند.» مسعود، مدیر، «عدم برنامه‌ریزی» را عامل نابرابری برشمرد و گفت: «کردها با فرهنگ ایرانی دارای ریشه و تاریخ مشترک هستند. پس به لحاظ فرهنگی به سایر اقوام ایرانی بسیار نزدیک‌اند. با یک برنامه‌ریزی صحیح، خیلی از اتفاقات مثبت می‌افتد. یک حرکت دموکراتیک در جامعه ایران و خارج شدن از مدیریت ایدئولوژیک می‌تواند مبین اتفاقات مثبتی باشد.» امید با چهارده سال سابقه این سؤال را طرح کرد: «چرا برخی پروژه‌های حیاتی و تأثیرگذار در استان کردستان با گذشت بیش از یک دهه هنوز به مرحله افتتاح و بهره‌برداری نرسیده‌اند، درحالی که در مناطق دیگر و استان‌های مرکزی و شمالی ایران، ده‌ها پروژه با برنامه‌ریزی مشخص به بهره‌برداری می‌رسد. آیا این ناشی از نابرابری نیست؟»

پ) شرایط زمینه‌ای پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی

شرایط زمینه‌ای پدیده نابرابری سیاسی-اجتماعی در استان کردستان از دیدگاه پاسخگویان را می‌توان در سه مقوله هسته‌ای، توسعه‌نیافتگی، موقعیت پیرامونی و باورپذیری منفی و در قالب ده زیرمقوله به‌ترتیب زیر بیان کرد.

توسعه‌نیافتگی: توسعه‌نیافتگی وضعیتی ناشی از روابط نابرابر بین مناطق توسعه‌نیافته و توسعه‌یافته است. در فرایند مصاحبه‌ها، «ضعف زیرساخت‌ها» به‌عنوان شرایط زمینه‌ای معرفی شد. کامیار معتقد بود: «اینکه کردستان نسبت به استان‌های همجوار، در موضوع زیرساخت‌های عمرانی نظیر راه ارتباط، صنعت و سایر زیرساخت‌های عمرانی یا اشتغال ضعیف است، نشانه آن است که هنوز قومیت و مذهب موضوع عدم تخصیص امکانات را تشدید کرده است.» عثمان گفت: «اگر چشمانت را ببندند، همین که به استان کردستان وارد شوی، از جاده‌های ارتباطی می‌فهمی که به کردستان وارد شده‌ای. وضعیت زیرساخت‌های ارتباطی این احساس را به‌وجود می‌آورد که عدم تخصیص امکانات، ناشی از تفاوت‌های قومی و مذهبی است.» محمد «مشکلات اقتصاد» را شاخصه دیگر توسعه‌نیافتگی معرفی کرد و گفت: «چه دلیلی دارد که به اندازه پتانسیل‌های استان امکانات تخصیص داده نمی‌شود؟ این یکی از شرایط مؤثر در ایجاد نابرابری است.» عبدالجبار معتقد بود: «فقر و بیکاری و مشکلات اقتصادی در کردستان ریشه در نابرابری‌ای دارد که در حق مردم روا داشته می‌شود. اینکه جوانان ما حتی برخی با تحصیلات عالی یا دارنده مدال‌های ورزشی بین‌المللی از سر ناچاری به‌دنبال لقمه‌نانی با گذشتن از مرز و پذیرش خطرات متعدد به کولبری روی می‌آورند، ریشه در نابرابری دارد.» یعقوب موضوع «ضعف خدمات و امکانات» را به‌عنوان یکی از عوامل توسعه‌نیافتگی معرفی کرد. وی گفت: «به‌لحاظ اجتماعی یا بهداشتی ما می‌بینیم در سایر مراکز خدماتی استان شرایط مساعدی ندارد. همین مسئله را می‌توان ناشی از آن دانست که حاکمیت نگاه متفاوتی به این مناطق داشته و دارد؛ چنان‌که در استان‌های همجوار این مسئله دیده نمی‌شود.» محمد معتقد بود: «برخی بنیادها یک سری امکانات و اعتبارات برای محرومیت‌زدایی تخصیص می‌دهند. مگر نه اینکه بودجه این اعتبارات متعلق به حکومت است که باید در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری کند؟ چه دلیلی دارد که تخصیص این‌گونه امکانات و اعتبارات جنبه ترحم به خود بگیرد؟»

موقعیت پیرامونی: موقعیت پیرامونی بازتولید روابط نابرابر میان بخش‌های مختلف جامعه است. از نظر شرکت‌کنندگان این پژوهش «نگاه مذهبی» یکی از عواملی است که سبب شکل‌گیری موقعیت پیرامونی شده است. علی در این زمینه گفت: «آنچه موجب می‌شود نابرابری در کردستان در مقایسه با سایر استان‌ها تشدید و غلظت یابد، بیشتر مسئله مذهب و مباحثی نظیر قومیت فرع است.» یعقوب معتقد بود: «در میان مردم این تصور شکل گرفته است که حاکمیت به دلیل مذهب مردم کردستان، در مورد آن‌ها اهتمام کمتری دارد.» «نگاه گذشته‌گرا» زیرمقوله دیگری است که از نظر مصاحبه‌شوندگان زمینه‌ساز موقعیت پیرامونی شده است. محمد اظهار کرد: «حوادث تاریخی و اقداماتی که در این منطقه اتفاق افتاد، در ترسیم چهره خشن از کردها بی‌تأثیر نبود. با برجسته‌شدن برخی از شرایط و مطالبات مانند موضوع خودمختاری، این‌گونه القا شد که این مطالبه صرفاً مختص کردهای اهل سنت است. همین مسئله سبب شد که اعتماد به کردهای اهل سنت بسیار سخت و حتی غیرممکن شود.» سلیمان گفت: «طرف مقابل به مسائل تاریخی که اتفاق افتاده و سینه‌به‌سینه نقل شده است، استناد می‌کند و شما نیز متقابلاً به چیزی استناد می‌کنید؛ اینکه چگونه یک سری اتفاقات روی داده است. فرض کنید اگر در کردستان و مناطق غرب کشور، جریان‌ات پس از انقلاب پیش نمی‌آمد و درگیری‌های داخلی مباحث و ذهنیت امنیتی ایجاد نکرده بود، شاید کسانی که پیرو اهل سنت بودند، بهتر می‌توانستند عرض‌اندام کنند. همین مسئله بر یک سری موضوعات و جنبه‌ها تأثیر گذاشته است. در سایر مناطق کشور جمعیت اهل سنت داریم، اما به دلیل اینکه این اتفاقات در کردستان روی داده است و در آن مناطق اتفاق نیفتاده است، یک سری از نگرانی‌هایی که در اینجا وجود دارد، در آن مناطق وجود ندارد؛ لذا همین نگرانی به سایر حوزه‌ها نیز تعمیم پیدا می‌کند.» «نادیده‌انگاشتن» دیگر شاخصه موقعیت پیرامونی است. کامیار گفت: «در مواردی که به خاطر مأموریتم به تهران رفته‌ام، شاید به عنوان یک فرماندار توانسته باشم در جمع و در جلسات حرف خود را بزنم، اما در عمل در مقایسه با فرمانداران اهل تشیع و فارس‌زبان مشاهده کرده‌ام که وزنه آن‌ها سنگین‌تر است؛ علی‌رغم آنکه ممکن است من علمی‌تر، متقن‌تر و مستندتر حرف بزنم، همیشه نگاه مسئولان به سمت فردی می‌چربد که غیر اهل سنت و غیرکردزبان است.» کریم اظهار کرد: «نگاه‌های غلط و اشتباه در مورد مسائل قومی و مذهبی سبب شده ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ما نادیده گرفته شود.»

باورپذیری منفی: باورپذیری، ذهنیتی است که در افکار و ضمیر ناخودآگاه ما وجود دارد. باورپذیری را می‌توان نوعی نمایش ذهنی از یک نگرش مثبت یا منفی در انجام امور دانست. آنچه به‌عنوان باورپذیری منفی در اینجا از آن نام برده می‌شود، مجموعه زیرمقوله‌هایی است که در قالب مفاهیمی که ذکر شد از آن‌ها یاد می‌شود. مصاحبه‌شوندگان «اثرگذار نبودن» را به‌عنوان یکی از زیرمقوله‌های باورپذیری منفی معرفی کردند. مسعود، خبرنگار، معتقد بود: «تجربه ثابت کرده اگر یک کرد اهل سنت به مقام و منصبی منصوب شده، بیشتر یک جایگاه و موقعیت نمایشی به وی داده شده است تا تأثیرگذار.» از نظر عبدالجبار: «در یک سری از مناصب کلیدی حتی در مجلس شورای اسلامی فراکسیون‌هایی که شکل می‌گیرد، صرفاً نوعی ابراز هویت است نه چیز دیگر. مشاهده می‌شود این فراکسیون‌ها فاقد هرگونه قوه تأثیرگذاری هستند.» «مناسبات غیررسمی» دیگر زیرمقوله‌ای است که پاسخگویان بدان اشاره داشتند. علی گفت: «هر انتصابی در کردستان باید از فیلتر محافل غیررسمی بگذرد. آن‌ها هستند که مشخص می‌کنند سهم افراد در قدرت تا کجا و چه میزان است.» عبدالله اظهار کرد: «علی‌رغم آنکه قانون یک سری بسترها را پیش‌بینی کرده است، دیده می‌شود که حلقه‌ای تصمیم‌ساز تفسیر دیگری از ما دارند و ما را افرادی ناهل و نامحرم می‌دانند.» وجود «دوگانگی در اعلام و اجرای قانون» از دیگر زیرمقوله‌های باورپذیری منفی است که پاسخگویان آن را مطرح کردند. حسین گفت: «بارها در دوران خدمت شنیدم که می‌گفتند شورای عالی امنیت ملی مصوب کرده که برخی از پست‌ها به کردها داده نشود. قوانینی در این زمینه نداشته‌ایم، اما این مسئله اجرایی شده است.» یعقوب معتقد بود: «اگر در جاهایی یا مواردی تعداد اهل سنت زیاد بوده، توصیه شده در انتخاب و انتصاب نیروهای اهل تشیع عدالت رعایت شود؛ در صورتی که در موارد دیگر، جاهایی که تعداد اهل تشیع زیاد بوده، این مسئله هیچ‌گاه توصیه نشده است. از این رو توصیه به رعایت عدالت و توازن همیشه یک‌طرفه و به نفع جامعه تشیع مذهب بوده است.» مصاحبه‌شوندگان از «قوانین نانوشته» به‌عنوان یکی دیگر از زیرمقوله باورپذیری منفی نام بردند. اسعد گفت: «ما همیشه دو جرم داریم؛ یکی کردبودن و دیگری اهل سنت‌بودن. این‌ها جرم‌های نانوشته است که در ذهن وجود دارد؛ علی‌رغم اینکه ممکن است فرد شایستگی‌های زیادی داشته باشد، هیچ‌وقت به مدارج بالاتر نمی‌رسد.» در این زمینه صدیق معتقد بود: «در قوانین نوشته شده ما کردهای

اهل سنت هیچ‌گونه مشکلی نداریم. در قانون اساسی، قانون جزا، قانون کیفری و سایر قوانین ما هیچ مشکل و کاستی نمی‌بینیم، اما در اجرای قانون مشکلاتی وجود دارد.»

ت) شرایط مداخله‌گر پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی

شرایط مداخله‌گر به‌عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده عمل می‌کند. این شرایط، فرایندها را تسهیل و تسریع و برعکس به‌عنوان یک مانع دچار تأخیر می‌کند. از دیدگاه پاسخگویان می‌توان دو مقوله هسته‌ای تبعیض ساختاری و نگاه حاکمیتی را در قالب هفت زیرمقوله به‌ترتیب زیر بیان کرد.

تبعیض ساختاری: تبعیض ساختاری تبعیضی است که به‌صورت سیستماتیک در جامعه وجود دارد؛ بدین‌معنا که این نوع تبعیض علیه افراد و گروه‌هایی اعمال می‌شود که با ویژگی‌های خاصی نظیر نژاد، رنگ پوست، مذهب، قومیت، زبان، جنسیت و... مشخص می‌شوند. تبعیض ساختاری دارای پیامدهایی است که منافع افراد و گروه‌های خاصی را تضعیف می‌کند. پاسخگویان احساس تبعیض، تبعیض در انتصابات، نگاه‌های تبعیض‌آمیز و نگاه دوگانه‌داشتن را به‌عنوان تبعیض ساختاری توصیف کردند.

حسین نقش احساس تبعیض را در تشدید نابرابری این‌گونه بیان کرد: «در بحث انتصابات به‌دلیل اینکه مذهب ما اهل سنت است و کرد هستیم، در ذهن ما این احساس وجود دارد که در حق ما تبعیض می‌شود.» عبدالله گفت: «فرصت‌های نابرابر در محیط کار و سایر سطوح جامعه آنچنان زیاد است که این ذهنیت را به‌وجود آورده که مدیریت خرد و کلان کشور، در حق کردهای اهل سنت تبعیض روا می‌دارد. هرچند این مسئله آنچنان روشن است که نیاز به اثبات ندارد.» صدیق از «تبعیض در انتصابات» به‌عنوان دیگر عامل تشدیدکننده یاد کرد و گفت: «در بحث معاونان وزرا یا استانداران یا سفرا این انتظار وجود دارد که از نخبگان کرد اهل سنت استفاده شود که نمی‌شود. این یک تبعیض آشکار و عریان است و تاکنون دلیلی برای آن ذکر نشده است.» مسعود، خبرنگار، «نگاه تبعیض‌آمیز» را به‌عنوان دیگر عامل تأثیرگذار بر نابرابری معرفی و اظهار کرد: «نابرابری یعنی نگاه تبعیض‌آمیز مسئولان کشوری به جامعه کردهای اهل سنت، به‌ویژه نخبگان و نمایندگان. این نگاه خود را در توزیع امکانات و اعتبارات نشان داده است.» یعقوب معتقد بود: «نگاه دوگانه‌داشتن» درمورد قومیت و مذهب توسط حاکمیت وجود دارد. وی گفت: «رفتار، عمل و کردار دوگانه که به تفکیک و اصطلاحاً پرائنتر کشیدن به دور

بخش‌هایی از جامعه منجر شود تا حدی که فرد احساس کند در اقلیت قرار دارد، می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.»

نگاه حاکمیتی به اقلیت‌ها: اقلیت امری کمی است که در مقابل اکثریت به لحاظ تعداد قرار دارد؛ این در حالی است که اقلیت‌بودگی همیشه به معنای محرومیت از منابع مادی و معنوی نیست؛ زیرا بسته به شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه و نیز بسته به منشأ و زمینه اقلیت‌بودگی ممکن است دارای ابعاد و پیامدهای متفاوت باشد، اما اگر اقلیت‌بودگی را با موضوع رویکرد حاکمیتی در نظر بگیریم، این مسئله ممکن است پیامدهای منفی داشته باشد؛ بدین معنا که در جوامع به کمک سنت‌های عملی (عرفی) یا نظری (مبانی قانونی و حقوقی) می‌تواند شرایطی پیش‌روی بخش یا بخش‌هایی از جامعه (اقلیت‌ها) قرار دهد که به تحدید و تضییع موقعیت آن‌ها منجر شود یا هرگونه پویش و تحرک آن‌ها را محدود سازد. بر این اساس، پاسخگویان بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، ریسک بالا در پیگیری حقوق و احساس شهروند درجه چندم را نگاهی حاکمیتی دانسته‌اند. کامیار «بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌های قومی و دینی» را عامل مؤثر در نابرابری معرفی کرد و گفت: «علی‌رغم اینکه در اصل ۱۵ قانون اساسی آمده که هر کسی آزاد است با زبان مادری خود سخن بگوید، عملاً اجرا نمی‌شود یا در قانون اساسی به موضوع اقوام و اقلیت‌ها توجه کمتری شده یا اگر هم اشاره شده است، اجرا نمی‌شود. در سال‌های اخیر یک سری پیشرفت‌ها و کارهایی صورت گرفته است، اما کافی نیست. همین مسائل سبب می‌شود ما احساس می‌کنیم حقوقمان رعایت نمی‌شود.» عیسی «ریسک بالا در پیگیری حقوق» را از جمله مسائلی دانست که چه در بعد اجتماعی و چه در بعد سیاسی موجب به‌وجود آمدن نابرابری می‌شود. وی در این زمینه گفت: «چرا باید یک کرد اهل سنت از طرح حقوق خود واهمه داشته باشد؟ چرا باید همین که بخواهد حقوق خود را طرح و پیگیری کند، انتظار انواع انگ، تهمت و عواقب را داشته باشد؟ چرا باید کردها از طرح خواسته‌های خود وحشت داشته باشند؟» عثمان «احساس شهروند درجه چندم» را عامل تشدیدکننده نابرابری دانست و اظهار کرد: «زمانی احساس برابری به‌وجود می‌آید که فرد احساس کند شهروند درجه یک آن جامعه است. از این‌رو به‌صورت طبیعی احساس رضایت و رضایت‌مندی به‌وجود می‌آید. اما اگر فرد احساس کند شهروند درجه دوم و سوم و حتی چندم است، همین مسئله موجب سلب انگیزه می‌شود. همیشه این احساس در ما کردها وجود داشته

که شهروند درجه چندم کشور هستیم و این بی‌عدالتی و ظلمی بوده که در حق ما کردها روا داشته‌اند.»

ج) سازوکارهای پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی

سازوکار به‌مثابه جعبه سیاهی است که برای پژوهش‌های تبیینی کاربرد دارد. از دیدگاه پاسخگویان می‌توان سازوکارهای نابرابری حول سه مقوله هسته‌ای رویکرد ایدئولوژیک، ریسک فعالیت و کوچک‌شمردن در قالب هفت زیرمقوله به‌ترتیب زیر بیان کرد.

رویکرد ایدئولوژیک: رویکرد ایدئولوژیک را می‌توان مجموعه عقاید و اقداماتی دانست که مبلغ منافع طبقاتی یا اجتماعی خاصی باشد. به عبارت دیگر، هرگونه باور و اقدام رسماً تأییدشده‌ای که برای مشروعیت‌بخشیدن به یک نظام یا ساختار سیاسی به‌کار می‌رود، رویکرد ایدئولوژیک است (هی‌وود، ۱۳۸۳: ۳۱). مصاحبه‌شوندگان «فشار ایدئولوژیک» را یکی از زیرمقوله‌های رویکرد ایدئولوژیک دانستند. عبدالجبار معتقد بود: «فشارهایی که رنگ و بوی ایدئولوژیک و سیاسی به خود می‌گیرند، نقش بی‌بدیلی در تسهیل نابرابری دارند. هدف از این فشارهای سیاسی، حمایت از بخش‌هایی از جامعه به ضرر بخش‌های دیگر است.» علی‌الظاهر کرد: «در میان مردم بیشتر شایع است که مناصب مدیریتی حساس کردستان در دست شهروندان بیجاری و قروه‌ای است. اشاره به نام بیچار و قروه حاوی این پیام است که چون شهروندان این دو شهر تشیع‌مذهب هستند، باید فقط آن‌ها کاندیدای مناصب حساس باشند.» صدیق از «مدیریت ایدئولوژیک» به‌عنوان یکی از سازوکارهای نابرابری یاد کرد و گفت: «اگر مدیریت ایدئولوژیک نباشد، نگرش به قومیت و مذهب جای خود را به نگرش به شایستگی‌ها و توانمندی‌ها می‌دهد. چه دلیلی دارد پس از ۴۲ سال از انقلاب هنوز مدیریت آموزش و پرورش استان کردستان نباید به کردهای اهل سنت داده شود؟ چه دلیلی دارد هنوز یک کرد اهل سنت نمی‌تواند معاون وزیر باشد؟» حسین هم گفت: «مطلق‌اندیشی در کردستان سبب شده انتصابات در مناصب خاص و تأثیرگذار براساس مصلحت‌اندیشی باشد تا کارایی و توانمندی. همین نوع مدیریت موجب به حاشیه رانده‌شدن افراد کارا و توانمند شده است. در مقابل، آن‌هایی که باقی مانده‌اند، فرمان‌بردارانی ناتوان و ضعیف هستند.»

ریسک فعالیت: معمولاً زمانی از ریسک فعالیت سخن گفته می‌شود که کلمه خطر برجسته شود. ریسک را باید نااطمینانی از آینده دانست. هرچند ریسک دارای دو بعد مثبت و منفی است، آنچه عموماً از ریسک مورد توجه است، شکل و جنبه مخاطره‌آمیز بودن آن است که مشخص می‌کند برای انجام فعالیت‌ها چگونه باید عمل کرد. از این رو سؤالی که در مورد ریسک مطرح می‌شود این است که چه عواملی سبب ایجاد آن می‌شوند. در پاسخ به این سؤال می‌توان از «خطوط قرمز» نام برد. صدیق گفت: «خط قرمز برای حدود فعالیت اقلیت‌ها تعیین شده است؛ بدین معنا که اقلیت‌ها تا حدودی اجازه فعالیت و پیشرفت دارند.» عبدالکریم هم اظهار کرد: «آیا نابرابری غیر از این است که به نخبگان کرد اهل سنت اجازه رشد داده نمی‌شود، به طوری که برای نخبگان اهل سنت خط قرمزی ترسیم شده است؟ چنان‌که در فرایند ارتقا و رشد خود نباید از آن خط قرمز عدول کنند؛ برای مثال، انتصاب کردهای اهل سنت به‌عنوان وزیر یا عضو هیئت‌رئیسۀ مجلس یک خط قرمز است.» «خط‌کشی و مرزبندی» دیگر زیرمقوله‌ای بود که در بیان ریسک فعالیت، پاسخگویان بدان اشاره کردند. یعقوب گفت: «هرچند در سالیان اخیر شاهد اتفاقات مثبتی در کردستان بوده‌ایم که برخی از مناصب مدیریتی نظیر ریاست دانشگاه‌ها و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی که قبلاً به اهل سنت داده نمی‌شد، اکنون واگذار شده است، مشاهده می‌شود کماکان این مرزبندی‌ها وجود دارد.» کریم معتقد بود: «مرزبندی و خط‌کشی جامعه و اولویت و امتیاز قائل شدن برای اهل تشیع در مقابل محروم کردن اهل سنت و قومیت‌ها مشخصه آشکار نابرابری است.» پاسخگویان نااطمینانی از آینده رابه‌عنوان زیرمقوله دیگر ریسک فعالیت معرفی کردند. اسعد گفت: «مدیران بومی که انتخاب می‌شوند، اغلب افرادی ترسو، محافظه‌کار، ضعیف و بله‌قربان‌گو هستند؛ این در حالی است که افراد غیربومی که به‌عنوان مدیر برای استان انتخاب می‌شوند، نه از مدیران کارآمد و توانمند شهرهای بزرگی مانند اصفهان، تبریز یا سایر مدیران موفق در استان‌های دیگر که به آن استان‌ها جایگاه داده‌اند، بلکه اغلب افرادی فاقد توانایی، ناکارآمدی و فاقد تعهد به کردستان هستند.»

کوچک‌شمردن: اینکه کسی یا کسانی احساس کنند دیگری یا دیگران او را کوچک می‌شمردند و نگاه تحقیرآمیزی به او دارند، می‌تواند در اشکال مختلف نمود پیدا کند. از نظر پاسخگویان «نگاه تحقیرآمیز به پتانسیل‌های انسانی» از مصداق‌های کوچک‌شمردن است. عبدالجبار اظهار کرد: «چه دلیلی دارد وزیر کشور در استان کردستان، در یک جلسۀ رسمی

بگویند به حجت نرسیدم که یک فرد کرد اهل سنت واجد شرایط را به عنوان استاندار انتخاب کنم؟ آیا غیر از این است که نگاه تحقیرآمیزی به ظرفیت‌های انسانی استان وجود دارد؟» عبدالکریم نیز گفت: «اظهارات وزیر کشور در سال ۱۳۹۲ در مراسم معارفه استاندار کردستان مصداق نابرابری است که در حق کردهای اهل سنت روا داشته شده است؛ درحالی که کردستان بیش از یک میلیون و ششصد هزار نفر جمعیت دارد. گفته‌های وزیر کشور تحقیری در حق کردها بود و درعین حال قبول نداشتن این بخش از جمعیت کشور در نگاه یک مقام رسمی است.» «نگاه تحقیرآمیز به اعتقادات و باورها» دیگر زیرمقوله‌ای بود که پاسخگویان به آن اشاره کردند. مسعود، مدیر، گفت: «بهاندادن به ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی سبب شده که اهل سنت هنوز از داشتن یک مسجد در تهران محروم باشند. این یک نمونه بارز از نابرابری است.» صدیق هم گفت: «چه معنی دارد که برخی از افراد صاحب تریبون علی‌رغم تأکید مسئولان عالی نظام به خود اجازه می‌دهند به ارزش‌های مذهبی اهل سنت توهین کنند.»

ج) پیامدهای پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی

پیامدهای پدیده نابرابری سیاسی-اجتماعی از دیدگاه پاسخگویان را می‌توان در سه مقوله هسته‌ای عدم ضابطه‌مندی، بی‌هنجاری و مخاطرات امنیتی و در قالب دوازده زیرمقوله به ترتیب زیر بیان کرد.

عدم ضابطه‌مندی: از نظر گیدنز، زندگی اجتماعی انسان دارای الگومندی و ضابطه‌مندی خاصی است که در خلال آن، الگوهای روابط بین‌فردی شکل می‌گیرد. این الگویابی زندگی اجتماعی به مسئله «ساخت‌یابی» منتج می‌شود که در جامعه قابل‌بررسی است که سبب تداوم زندگی شده است و «امنیت وجودی» را تضمین می‌کند (استونز، ۱۳۸۸: ۴۳۱-۴۳۲). در مقابل، عدم ضابطه‌مندی موجب کاهش انگیزه و دلسردی در جامعه می‌شود. از نظر مصاحبه‌شوندگان، «ضعف کارکردی انتصابات» یکی از زیرمقوله‌های عدم ضابطه‌مندی است. مسعود، خبرنگار، گفت: «در کردستان به جای خدمت، خیانت کرده‌اند؛ برای مثال، ما مدیرانی در کردستان داشتیم که در عرض کمتر از سه سال تمام اعضای خانواده‌نسی و سببی خود را استخدام کردند و از این طریق فرصت استخدام جوانان این شهر و استان را تصاحب و سلب کردند.» امین معتقد بود: «اغلب افراد غیربومی که برای مناصب مدیریتی در این استان معرفی شده‌اند، اولین تجربه

مدیریتی خود را در آن منصب تجربه کرده‌اند. به طور طبیعی نیز اغلب از کمترین میزان کارآمدی برخوردار بوده‌اند.» حسین «غلبه رابطه بر ضابطه» را پیامد نابرابری دانست و اظهار کرد: «در دوره مسئولیت در مواقعی که مسئولی از مرکز کشور به شهرستان می‌آمد، متوجه اعمال سلیقه در نگاه‌ها و برداشت او می‌شدم.» خسرو «سوءاستفاده از قدرت» را دیگر پیامد نابرابری دانست و گفت: «مسئولان غیربومی عموماً افرادی بدون آگاهی و دانش لازم هستند و به طور طبیعی نیز حضور این افراد در استان اغلب توأم با رانت، تخلف، پارتی‌بازی، تلاش در راستای تقویت موقعیت مالی خود و عملی کردن دیدگاه متعصبانه‌شان بوده‌اند.» علی هم معتقد بود: «همیشه این احساس وجود داشته که کردهای اهل سنت برای تأثیرگذاری بر سرنوشت خود فاقد قدرت و توانایی هستند. همین مسئله موجب شده که مورد سوءاستفاده واقع شوند.»

بی‌هنجاری: بی‌هنجاری مترادف واژه‌هایی نظیر شر، بیماری، بحران، بی‌نظمی، به‌هم‌ریختگی، ازهم‌گسیختگی، آشفتگی و بی‌سازمانی و... تعریف شده است. دورکیم بی‌هنجاری را خاص جوامع در حال گذر می‌داند؛ یعنی فقدان مجموعه قواعد حاکم بر روابط بین کارکردهای اجتماعی معین که باید در بحران‌های تجاری و صنعتی و تضاد بین کار و سرمایه دیده شوند (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۱۹)؛ بنابراین بی‌هنجاری را باید عملکرد نادرست یا فقدان نسبی تنظیم هنجاری در نهاد یا محیطی متراکم از گروه‌ها و اجتماعات گرفته تا کلیه جوامع دانست. مسعود، مدیر، «تحقیق اعتقادات و ارزش‌ها» را پیامد نابرابری دانست و گفت: «اگر مبانی برای وحدت ترسیم شده است، این مبانی نباید فقط از طرف جامعه اهل سنت اجرا و عملی شود. چرا صدا و سیما از مداحان و افرادی دعوت می‌کند که در تریبون رسمی این رسانه به جامعه اهل سنت توهین کنند؟ این‌ها پیامد نابرابری است که در حق کردهای اهل سنت روا داشته می‌شود.» محمد هم گفت: «در طنز سایر اقوام نسبت به کردها همیشه این مسئله وجود داشته که کردها با اسلحه و رقص شناخته می‌شوند.» امید با بیست‌وسه سال سابقه «بی‌انگیزگی» را به‌عنوان دیگر پیامد نابرابری معرفی کرد و گفت: «بی‌اعتنایی و بی‌انگیزگی نسبت به مسائل و حوادث جامعه وقتی احساس می‌شود که از رفع نابرابری ناتوان هستید و دچار یأس و دل‌سردی می‌شوید. همین مسئله موجب می‌شود که به‌عنوان فردی از جامعه، خود را ناتوان از قدم برداشتن برای رفع مشکلات آن ببینید و سیستم را از خود ندانید. علاقه خود را به کشور و وطنشان از دست دهید و دیگر حاضر نباشید برای کشور و وطن خود دل بسوزانید.» اسعد «از خودبیگانگی» را پیامد دیگری معرفی

کرد و اظهار داشت: «حاکمیت کاری کرده است که ما به آرمان‌های وطن و کشور خود احساس بیگانگی داشته باشیم. اینکه مردم در کردستان برای تحولات سیاسی و اجتماعی و حتی ورزشی اقلیم کردستان عراق، خود را ناشاد و غمگین ببینند یا احساس کنند، این پیام را می‌رساند که از نابرابری حاکم بر اوضاع خود سرخورده و ناراحت هستند.» خسرو نیز معتقد بود: «در میان جوانان کرد احساس بیگانگی نسبت به آرمان‌های کشور به وجود آمده است تا حدی که کشور ایران را از خود نمی‌دانند.» عبدالله «نارضایتی» را پیامد نابرابری دانست و گفت: «نابرابری خود به نارضایتی تبدیل می‌شود. وقتی نارضایتی برآمده از نابرابری به بستر و زمینه ذهنی جامعه تبدیل شود، تأثیر خود را بر نگاه اجتماعی، نگاه‌های سیاسی و مذهبی و نیز نگاه دستگاه‌های امنیتی می‌گذارد.» کامیار نیز گفت: «من از دید مردم سخن می‌گویم، اما اگر از نگاه کارمندان دولتی هم نگاه کنم، مسئله غلظت بیشتری دارد و بیشتر مردم از این وضعیت ناراضی هستند. همه احساس می‌کنند به آن چیزی که حقشان است، نمی‌رسند و در حقشان ظلم می‌شود.»

مخاطرات امنیتی: با مرور تاریخی اتفاقات و رویدادها در کردستان با پدیده مخاطرات و تنش‌های امنیتی در این منطقه مواجه می‌شویم. مصاحبه‌شونده‌ها از «افزایش خشونت» به‌عنوان یکی از عوامل و پیامدهای مخاطرات امنیتی یاد کردند. یعقوب در این زمینه گفت: «ایجاد کینه و نفرت و تقویت گرایش‌های متعصبانه قومی و مذهبی پیامد نابرابری سیاسی-اجتماعی است که می‌تواند انرژی زیادی را از بخش‌هایی از جامعه آزاد کند.» مسعود، خبرنگار، اظهار کرد: «اگر شاهد گرایش جوانان به سمت گروه‌های رادیکال چه مذهبی و چه سیاسی هستیم، تنها به دلیل وجود نابرابری است.» علی از «افزایش اختلافات» به‌عنوان یکی از عوامل و پیامدهای دیگر نابرابری یاد کرد و گفت: «نابرابری سبب می‌شود مردم کینه خود را از سمت حاکمیت به سوی مذهب و قومیت سوق دهند؛ به نحوی که مردم کاستی‌ها را نشئت گرفته از قومیت فارس و تشیع می‌دانند تا از عملکرد دولت. همین مسئله می‌تواند به اختلافات قومی و مذهبی میان کردها با سایرین منجر شود.» اسعد گفت: «در برخی از سازمان‌ها یا ادارات در کردستان حتی اجازه حضور کردهای اهل سنت در جایگاه یک کارمند معمولی داده نمی‌شود. همین مسائل می‌تواند کینه و اختلافات قومی و مذهبی را شعله‌ور سازد.» عثمان «واگرایی سیاسی» را پیامدهای نابرابری دانست و اظهار داشت: «یکی از پیامدهای نابرابری سیاسی-اجتماعی در جامعه ایران، تضعیف مسئله وحدت و ازدست رفتن یکپارچگی و تضعیف مای ملی است.» سلیمان معتقد بود:

«وقتی نگاه‌ها از داخل به خارج از مرزها سمت و سو پیدا می‌کند، نشانه آن است که دیگر مردم کشور را متعلق به خود نمی‌دانند و برای آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه خود ارزشی قائل نیستند. امیدها و آرزوهای خود را در خارج جست‌وجو می‌کنند. هرکس سخنی علیه آرمان‌های کشورشان بگوید، به او روی خوش نشان می‌دهند.»

جدول ۲. خلاصه مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و مقوله هسته به دست آمده

| نوع مقوله | زیرمقوله | مقوله هسته‌ای |
|--------------------|---|-----------------------------|
| تعریف | احساس فاصله داشتن از جامعه، محرومیت و ناتوانی در دسترسی به فرصت‌ها | درحاشیه بودن |
| | توزیع ناعادلانه قدرت، تأثیرگذار نبودن و عدم واگذاری مناصب حساس | احساس بی‌قدرتی |
| | تزلزل سیاسی، بی‌اعتمادی و عدم بهره‌مندی | احساس بی‌هویتی |
| شرایط علی | ذهنیت قالبی و نبود گفتمان ملی | نگرش انحصارطلبانه |
| | تبعیض منفی در انتصابات، عدم شایسته‌سالاری و آزمون و خطا | گرایش منفی |
| | بی‌توجهی به ظرفیت‌ها و عدم برنامه‌ریزی | نبود راهبرد هدفمند |
| شرایط زمینه‌ای | ضعف زیرساخت‌ها، مشکلات اقتصادی و ضعف خدمات و امکانات | توسعه نیافتگی |
| | نگاه مذهبی، نگاه گذشته‌گرا و نادیده‌انگاشتن | موقعیت پیرامونی |
| | اثرگذار نبودن، مناسبات غیررسمی، دوگانگی در اعلام و اجرای قانون، قوانین نانوشته | باورپذیری منفی |
| شرایط مداخله‌گر | احساس تبعیض، تبعیض در انتصابات، نگاه‌های تبعیض‌آمیز و نگاه‌دوگانه داشتن | تبعیض ساختاری |
| | بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌های قومی و دینی، ریسک بالا در پیگیری حقوق و احساس شهروند درجه چندم | نگاه حاکمیتی به اقلیت‌ها |
| سازوکار | فشار ایدئولوژیک و مدیریت ایدئولوژیک | رویکرد ایدئولوژیک |
| | خطوط قرمز، خط‌کشی و مرزبندی، و نااطمینانی | ریسک فعالیت |
| | نگاه تحقیرآمیز به پتانسیل‌های انسانی و نگاه تحقیرآمیز به اعتقادات و باورها | کوچک‌شمردن |
| پیامدها | ضعف کارکردی انتصابات، غلبه رابطه بر ضابطه و سوءاستفاده از قدرت | عدم ضابطه‌مندی |
| | تحقیر اعتقادات و ارزش‌ها، بی‌انگیزگی، ازخودبیگانگی و نارضایتی | بی‌هنجاری |
| | افزایش خشونت، افزایش اختلافات و واگرایی سیاسی | مخاطرات امنیتی |

بحث و نتیجه گیری

هر پدیده اجتماعی محصول نوع نگاه، شرایط زمینه‌ای و علی‌خاصی است. به عبارتی هرگونه پویای افراد در زیست اجتماعی را می‌توان منبعث از مجموعه شرایطی دانست که تفاوت‌های اجتماعی را رقم می‌زند. شکی نیست که رهاورد زندگی در جغرافیایی خاص، میزان برخورداری از امکانات رفاهی و معیشتی، وابستگی به قومیتی خاص، داشتن دین یا مذهبی خاص، برخورداری از نوع حقوق اجتماعی و سیاسی یا میزان و نوع تأمین امنیت می‌تواند بر نوع نگرش و درک افراد از موقعیت خود مؤثر واقع شود.

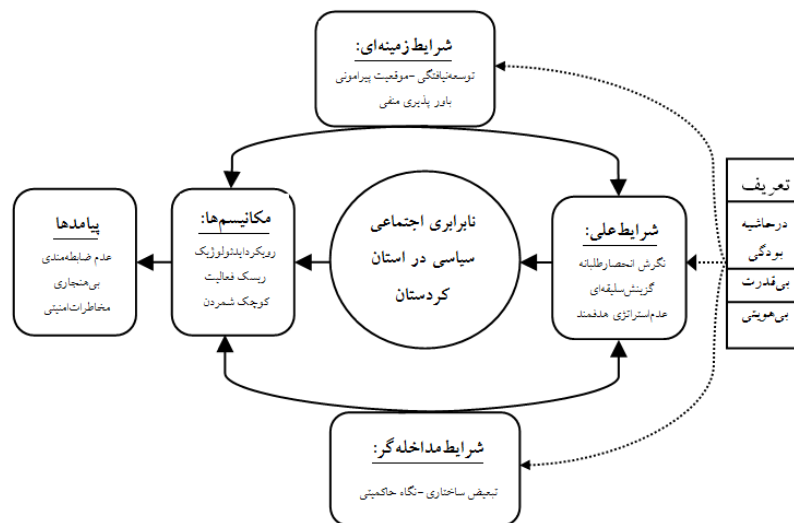
در این مقاله بر ساخت پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی را با رویکرد گراندتئوری از منظر درک و شناخت تجربه زیسته کنشگران که طیفی از نمایندگان مجلس، برخی از مدیران، خبرنگاران و اعضای هیئت علمی با هویت قومی و مذهبی (کرد اهل سنت) در استان کردستان هستند، مطالعه کردیم. در پایان نیز یافته‌ها را با ملاحظات نظری-تجربی مرتبط ساختیم.

مصاحبه‌شوندگان وجود نابرابری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و ... را مانعی برای دسترسی عادلانه و برابر افراد جامعه به منابع و فرصت‌ها معرفی کردند. از همین رو معتقد بودند جایگاه افراد و گروه‌های اجتماعی با داشتن درجه‌بندی و نزدیکی یا دوری به منابع قدرت و ثروت و نیز دسترسی به امکانات مشخص می‌شود. تجربه زیسته پاسخگویان در این پژوهش که مبنای تعریفشان از نابرابری اجتماعی-سیاسی بود، ترکیبی از احساس فاصله‌داشتن از جامعه، محرومیت، ناتوانی در دسترسی به فرصت‌ها، توزیع ناعادلانه قدرت، عدم واگذاری مناسب حساس، تأثیرگذار نبودن، تزلزل سیاسی، بی‌اعتمادی و عدم بهره‌مندی است؛ این در حالی بود که کنشگران شرایط علی وضع موجود را در قالب مقوله‌های هسته‌ای نظیر نگرش انحصارطلبانه، گزینش منفی و نبود راهبرد هدفمند ارزیابی کردند. در این میان آنچه به عنوان بسترها و زمینه‌های مؤثر در ایجاد نابرابری مطرح شد، شامل توسعه‌نیافتگی، موقعیت پیرامونی و باورپذیری منفی بود که بر شرایط علی و سازوکارهای نابرابری اجتماعی-سیاسی تأثیر گذاشته است. همچنین تبعیض ساختاری و نگاه حاکمیتی به اقلیت‌ها عوامل و شرایط مداخله‌گری است که بر شرایط علی و سازوکارهای نابرابری تأثیر می‌گذارد. سازوکار نابرابری که کنشگران کرد سنی مذهب آن را برشمردند، عبارت است از: رویکرد ایدئولوژیک، ریسک فعالیت و

کوچک‌شمردن که از نظر مصاحبه‌شوندگان به پیامدهای نابرابری اجتماعی-سیاسی منجر شده است و دربرگیرنده عدم ضابطه‌مندی، بی‌هنجاری و مخاطرات امنیتی، در وهله اول برای کردستان و در وهله دوم برای کل کشور خواهد بود.

در راستای یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ممنوعیت هرگونه بی‌احترامی به اعتقادات و ارزش‌های قومی و مذهبی، اقوام و اقلیت‌ها به‌ویژه از تریبون‌های رسمی؛
- اتخاذ رویکرد شایسته‌سالاری در فرایند انتصابات با هدف تأمین نظر جامعه کردهای اهل سنت؛
- استفاده از ظرفیت و پتانسیل انسانی کردهای اهل سنت در کلیه مناصب اجرایی و مدیریتی در سطح کردستان؛
- سرمایه‌گذاری و تخصیص اعتبارات به زیرساخت‌های عمرانی و ارتباطی در کردستان؛
- تخصیص اعتبارات و امکانات با رویکرد محرومیت‌زدایی به مناطق کم‌برخوردار در کردستان.



نمودار ۱. مدل نهایی و پارادایمی (براساس گراند‌تئوری) پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی در استان کردستان

منابع

- اجتهادی، مصطفی (۱۳۹۰)، ریشه‌های نابرابری در جامعه امروز، دانشگاه شهید بهشتی، *دوفصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، دوره اول، شماره ۱۳۱: ۱-۱۵۶.
- احمدرش، رشید (۱۳۹۷)، دیالکتیک مرز و توسعه: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور، *دوفصلنامه توسعه محلی*، دوره دهم، شماره ۲: ۱۸۳-۲۰۶.
- استراوس، آنسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۶)، *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- استونز، راب (۱۳۸۸)، *متفکران جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- ترابی، یوسف و مجیدی، یوسف‌علی (۱۳۹۳)، مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره سوم، شماره ۱۱: ۹-۳۰.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)*، تهران: نشر نی.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۳)، *رویکردهای هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، ترجمه رحمت‌اله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.
- راغفر، حسین و فدوی اردکانی، مرجان (۱۳۹۳). چهارچوبی تحلیلی در نظریه توسعه: فرهنگ، قدرت و نابرابری، *دوفصلنامه بررسی مسائل اقتصادی ایران (اقتصاد تطبیقی سابق)*، دوره اول، شماره ۲: ۹۱-۱۱۵.
- زارع میرک‌آباد، غلامعباس (۱۳۹۵)، *مدیران جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات پیک علوم.
- طالبی، ابوتراب و علی‌زاده، سجاد (۱۳۹۷)، مطالعه پدیدارشناختی تجربه تبعیض و نابرابری قومی در بین دانشجویان کرد در دانشگاه‌های ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نوزدهم، شماره ۴: ۱-۲۵.
- عظیمی، رضا (۱۳۹۸)، بررسی پتانسیل تضاد قومی با تأکید بر نابرابری اجتماعی (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، دوره دهم، شماره ۱: ۱۲۵-۱۴۴.
- عنبری، موسی و عبده‌زاده، سیروان (۱۳۹۹)، برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه)، *دوفصلنامه توسعه محلی*، دوره دوازدهم، شماره ۱: ۱۵۳-۱۸۵.
- کرسول، جان‌دبلیو (۱۳۹۶)، *طرح پژوهش، رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و علی صالحی، تهران: کتاب مهربان.
- کمالی‌دهکردی، پروانه، عبدالمهی، فرشته و غیثاوی، عبدالحق (۱۳۹۹)، تأثیر دینداری بر نابرابری درآمد و اندازه دولت در ایران، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، دوره بیستم، شماره ۷۷: ۱۵۳-۱۸۱.

گرب، ادوارد ج. (۱۳۷۳)، *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر*، ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد، تهران: نشر معاصر.

گودرزی، سعید، ربیعی، علی، زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد و نقدی، اسدالله (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر - نابرابری‌های منطقه‌ای بر امنیت عینی استان‌های کشور، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، دوره هفتم، شماره ۴۵: ۱-۳۱.

متیاس، استیوپ (۱۳۸۳)، معرفت پیشینی، ترجمه پیروز فطوریچی، *مجله ذهن*، دوره پنجم، شماره ۲۰، ۸۴-۵۶.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، *نتایج آمارگیری نیروی کار-تابستان ۱۳۹۵*، قابل دسترسی در سایت مرکز آمار ایران: www.amar.org.ir.

محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحقیق در مکاتب تفسیری، تهران: اطلاعات.
محمدزاده، حسین و خانی، سعید (۱۳۹۷)، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، دوره دوازدهم، شماره ۳: ۱۲۵-۱۴۷.

محمدی، احمد، خانزاد، نوید و حبیبی، فاتح (۱۳۹۶)، تجزیه نابرابری درآمدی در استان کردستان برحسب مناطق شهری و روستایی، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی*، دوره نهم، شماره ۱۸: ۱۳۱-۱۵۶.

هی وود، اندرو (۱۳۸۳)، *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی*، ترجمه محمود رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امورخارجه.

Alizadeh, N. (2017). The Impact of Ethnic, Religious, Geographic and Economic Factors on the Income Inequality in Iran. *Journal of Bölgesel Araştırmalar Dergisi*. <https://www.ceeol.com>.

Brady, D., & Leicht, K. T. (2008). Party to inequality: Right party power and income inequality in affluent Western democracies, Elsevier - Science Direct, *Research in Social Stratification and Mobility*, 26(1), 77-106.

Binelli, C., Loveless, M., & Whitefield, S. (2015). What Is Social Inequality and Why Does it Matter?. *ELSEVIER, World Development*, 70(2015), 239-248.

Elgin, C., Goksel, T., Gurdal, M. Y., & Orman, C. (2013). Religion, income inequality, and the size of the government. *Economic Modelling*, 30(2013), 225-234.

Farzanegan, M. R., & Habibpour, M. M. (2017). Resource rents distribution, income inequality and poverty in Iran. *Energy Economics*, 66(2017), 35-42.

Jung, F., & Sunde, U. (2014). Income, inequality, and the stability of democracy — Another look at the Lipset hypothesis. *European Journal of Political Economy*, 35(2014), 52-74.

Kellermann, K. L. (2018). *Political Participation and Party Capture with Social Inequality*, Retrieved from <https://pdfs.semanticscholar.org>.

Lahiri, R., & Ratnasiri, S. (2010). A political economy perspective on persistent inequality, inflation, and redistribution. *Elsevier-Science Direct, Economic Modelling*, 27(5), 1199-1210.

Robila, M. (2006). Economic pressure and social exclusion in Europe. *The Social Science Journal*, 43, 85-97.